




## Examining the Role of Data Colonialism in Cognitive Warfare with Reference to the “Second Step” Statement

Ali Karami

PhD, Department of Europe studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

alikharami598@ut.ac.ir

 0000-0002-4406-3236

### Abstract

In the era of digital technological dominance, data have become a strategic instrument of cultural, cognitive, and political control. Data colonialism refers to the reproduction of colonial structures through surveillance and platform-based mechanisms, illustrating how global technological powers, through the ownership, extraction, and processing of user data, seek cognitive penetration and the transformation of national identities. This study aims to examine the role of data colonialism in the design and advancement of cognitive warfare against the Islamic Republic of Iran by conducting a qualitative thematic analysis of the “Second Step of the Revolution” statement. The research seeks to answer how data colonialism is represented within the statement and what functions it performs in perception engineering and the weakening of revolutionary consciousness. The research method employs qualitative content analysis using ATLAS.ti software. Through open coding and thematic categorization, the semantic network of the statement was extracted. A total of 28 key quotations were identified and analyzed, resulting in 267 conceptual codes organized into seven sub-themes and one overarching theme. The principal sub-themes include: halting the process of civilization-building; distortion of reality and cognitive inversion; weakening the younger generation; inducing perceptions of inefficiency; disconnection from historical memory; promotion of Western lifestyles; and political perception engineering. The findings indicate that data colonialism functions as a tool of cognitive warfare aimed at constructing alternative narratives, eroding social trust, emptying cultural capital, and inducing perceptions of spiritual collapse. It operates not only at economic and technological levels but also at epistemological and identity-based dimensions. Within the discourse of the Second Step statement, data are conceptualized not merely as informational resources but as instruments of psychological and cultural domination—used for truth inversion, collective memory distortion, and weakening revolutionary will. Consequently, the study concludes that data colonialism is not solely a technological or economic issue but an epistemicide and identity-eroding project.

**Keywords:** Data colonialism; Cognitive warfare; Second Step statement; Propaganda siege; Post-truth revolution; Induced internal weakness; Fear production.

مقاله پژوهشی**بررسی نقش استعمار داده در جنگ شناختی با تکیه بر متن بیانیه گام دوم**

علی کرمی

دکتری مطالعات اروپا دانشگاه تهران، تهران، ایران.

alikarami598@ut.ac.ir

ID 0000-0002-4406-3236

چکیده:

در دوران سلطه فناوری‌های دیجیتال، داده‌ها به ابزاری استراتژیک برای سلطه فرهنگی، ادراکی و سیاسی بدل شده‌اند. در این راستا استعمار داده، مفهومی است که به بازتولید ساختارهای استعماری در قالب سازوکارهای نظارتی و پانفرمی اشاره دارد و نشان می‌دهد چگونه قدرت‌های فناورانه جهانی با تملک، استخراج و پردازش داده‌های کاربران، درصدد نفوذ شناختی و تغییر هویت ملت‌ها هستند. این پژوهش با هدف بررسی نقش استعمار داده در طراحی و پیشبرد جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران، به تحلیل کیفی مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که استعمار داده در متن بیانیه چگونه بازنمایی شده و چه کارکردهایی در مهندسی ادراک و تضعیف ذهنیت انقلابی ایفا می‌کند. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی با بهره‌گیری از نرم‌افزار ATLAS.ti بوده که از طریق کدگذاری باز و طبقه‌بندی مضامین، شبکه معنایی حاکم بر متن بیانیه را استخراج کرده است. در مجموع، از متن بیانیه ۲۸ کوشش کلیدی شناسایی و تحلیل شد که منجر به تولید ۲۶۷ کد مفهومی، سازمان یافته در قالب ۷ ساب‌تم و یک تم اصلی گردید. ساب‌تم‌های عمده شامل توقف فرآیند تمدن‌سازی، تحریف واقعیت و وارونه‌سازی شناختی، تضعیف نسل جوان، القای ناکارآمدی، انقطاع از حافظه تاریخی، رواج سبک زندگی غربی و مهندسی ادراک سیاسی بودند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استعمار داده به‌عنوان ابزاری برای جنگ شناختی در پی شکل‌دهی به روایت‌های جایگزین، تضعیف اعتماد اجتماعی، تهی‌سازی سرمایه فرهنگی و القای فروپاشی معنوی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استعمار داده هم در بعد اقتصادی و فناورانه و هم در سطح معرفت‌شناختی و هویتی در خدمت جنگ شناختی قرار دارد. در گفتمان بیانیه گام دوم، داده نه تنها منبع اطلاعاتی بلکه ابزار سلطه روانی و فرهنگی تلقی می‌شود که از آن برای واژگونه‌سازی حقیقت، تحریف حافظه جمعی و تضعیف اراده انقلابی استفاده می‌شود. در نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که استعمار داده تنها مسئله‌ای فناورانه یا اقتصادی نیست بلکه پروژه‌ای معرفت‌زدا و هویت‌ستیز است.

**واژگان اصلی:** استعمار داده، جنگ شناختی، بیانیه گام دوم، محاصره تبلیغاتی، پسا حقیقت انقلاب، القای ضعف

درونی، هراس‌آفرینی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

استعمار را به معنای سلطه و استثمار نظام‌مند و هدفمند یک یا چند قدرت خارجی بر کشورها و ملت‌ها تعریف می‌کنند. البته ایشان تأکید دارند که استعمار دیگر محدود به اشغال نظامی و حضور فیزیکی نیست، بلکه «استعمار نوین» به شکل سلطه فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای و اطلاعاتی بروز یافته است. ایشان در همین معنا می‌فرمایند: «استعمار یعنی غارت منابع ملت‌ها، تحمیل فرهنگ بیگانه و تسلط بر ذهن و فکر انسان‌ها. این استعمار دیگر با توپ و تفنگ نمی‌آید، بلکه با ماهواره‌اش و اینترنت و رسانه‌ها حمله می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۸/۸).

آیت‌الله خامنه‌ای تاریخ استعمار را به چند مرحله تقسیم می‌کنند: در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی، استعمار عمدتاً با اشغال نظامی، تقسیم سرزمین‌ها و سلطه سیاسی همراه بود. قدرت‌های اروپایی مثل انگلستان، فرانسه و هلند با حمله نظامی و تشکیل مستعمره‌ها منابع را غارت می‌کردند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰). با ظهور فناوری‌های نوین و تحول جهانی، استعمار شکل پیچیده‌تر و نرم‌تری به خود گرفت که شامل سلطه اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای و روانی است. در این مرحله، استعمارگران به جای اشغال فیزیکی، با ترویج سبک زندگی غربی، جنگ نرم و سلطه بر ذهن‌ها سعی در نفوذ دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۶/۴). ایشان در این باره می‌فرمایند: «امروز استعمار دیگر در ظاهر نمی‌آید، بلکه با نفوذ در فرهنگ، رسانه و فناوری، سعی دارد هویت ملت‌ها را تغییر دهد و به وابستگی بکشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۶/۴).

استعمار از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، پیامدهای گسترده‌ای دارد که می‌توان آن‌ها را در چند دسته کلی طبقه‌بندی کرد: غارت منابع طبیعی و اقتصادی، ایجاد وابستگی اقتصادی به قدرت‌های خارجی و تضعیف تولید داخلی. فرهنگی و دینی: تلاش برای تضعیف باورهای دینی، تغییر سبک زندگی و فرهنگ بومی و ترویج فرهنگ غربی. ایجاد حکومت‌های وابسته، نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و کاهش استقلال سیاسی کشورها. کنترل ذهن و فکر مردم از طریق رسانه‌ها، جنگ نرم و «استعمار شناختی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰).

ایشان می‌فرمایند: «دشمنان می‌خواهند شما را از خودتان جدا کنند، هویتتان را تضعیف کنند، جوان‌ها را از باورهای دینی و ملی دور کنند و آن‌ها را به سمت وابستگی ببرند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰). آیت‌الله خامنه‌ای نمونه برجسته استعمار جدید را آمریکا معرفی می‌کند که با اتکا به نهادهای مالی جهانی، رسانه‌های جمعی و فناوری‌های نوین، به دنبال سلطه گسترده‌تر و پیچیده‌تر بر ملت‌ها است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۸/۸).

داده محور شدن<sup>۱</sup> یا تبدیل زندگی انسانی و روابط اجتماعی به داده‌های دیجیتال قابل اندازه‌گیری، صرفاً یک ابزار برای استخراج منابع نیست، بلکه تداوم مستقیم شیوه‌های استعماری در عصر دیجیتال محسوب می‌شود. درحالی‌که داده اغلب به‌مثابه منبعی فنی یا خنثی معرفی می‌شود، فرایندهای جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجاری‌سازی آن، زیرساخت‌های استخراج‌گرایانه استعمار تاریخی را بازتولید می‌کنند (Couldry & Mejias, 2019). از این منظر، گسترش جهانی نظارت دیجیتال، نمایه‌سازی الگوریتمی و انحصارهای پلتفرمی، نابرابری‌های قدرت را بازتنظیم می‌کند، به‌گونه‌ای که توجه، رفتار و هویت انسانی هم چون مواد خام برای انباشت سرمایه‌داری مورد استفاده قرار می‌گیرند (Thatcher et al, 2016). این محصورسازی دیجیتال به‌ویژه در مورد جمعیت‌های جنوب جهانی آشکارتر است، جایی که زیرساخت‌های داده‌ای بدون مشارکت یا سود محلی تحمیل می‌شوند و به‌نوعی بازنمایی مجدد خلع ید استعماری هستند (Taylor & Broeders, 2015). از این رو، داده محور شدن باید نه تنها به‌مثابه شکلی از بهره‌کشی اقتصادی، بلکه به‌مثابه گونه‌ای از سلطه معرفتی و سیاسی درک شود؛ فرایندی که در آن بازیگران غالب، دیگران را تعریف، طبقه‌بندی و حکمرانی می‌کنند (Couldry & Mejias, 2021).

استعمار داده‌ها نوعی جدید از سلطه را بازنمایی می‌کند که منطق ساختارهای استعماری تاریخی را در قالب فناوری‌های دیجیتال و سامانه‌های نظارتی بازتولید می‌کند. همان‌گونه که امپراتوری‌های اروپایی در قرن نوزدهم از ابزارهایی چون نقشه‌برداری، سرشماری و طبقه‌بندی آماری برای کنترل سرزمین‌ها و جمعیت‌ها استفاده می‌کردند، رژیم‌های داده‌ای معاصر نیز این شیوه‌ها را از طریق استخراج گسترده داده‌ها و حکمرانی

1. Datafication

الگوریتمی باز تکرار می‌کنند (Taylor & Broeders, 2015). استعمار تاریخی با قابل فهم کردن سرزمین‌ها و جوامع بومی برای قدرت‌های امپریالیستی، آن‌ها را به مجموعه‌ای از داده‌های قابل مدیریت تبدیل می‌کرد- فرایندی که به خلع ید و سلطه منتهی می‌شد (Scott, 1998). به‌طور مشابه، استعمار داده در عصر حاضر، زندگی انسانی را به نقاط داده‌ای تبدیل می‌کند و جامعه هدف را بدون آگاهی یا اعلام رضایت، در معرض نظارت مداوم و کنترل پیش‌بینی پذیر قرار می‌دهد (Mejias & Couldry, 2021). این نظام جدید تنها استعمار را به صورت استعاری بازنمایی نمی‌کند بلکه نابرابری‌های جهانی را بازتولید کرده و از طریق استخراج ارزش از جمعیت‌ها- بخصوص در جنوب جهانی- بدون باز توزیع منافع، منطق پروژه‌های امپریالیستی گذشته را تکرار می‌نماید (Thatcher et al, 2016). در این چارچوب، زیرساخت‌های سرمایه‌داری دیجیتال، مانند رایانش ابری، ردیابی بیومتریک و نقشه‌برداری جغرافیایی همچون ابزارهای امپراتوری مدرن عمل کرده و سلطه ساختاری را از طریق داده تداوم می‌بخشند و تشدید می‌کنند (Milan & Trere, 2020).

با گسترش استفاده از داده‌ها و افزایش اهمیت آن در حوزه‌های مختلف، پژوهش‌های متعددی به بررسی جایگاه و تأثیر آن بر قدرت و سلطه دیجیتال پرداخته‌اند. اگرچه این مطالعات نشان‌دهنده اهمیت داده و نقش آن در ایجاد مزیت اطلاعاتی هستند، هنوز بررسی دقیق چگونگی بهره‌برداری از داده‌ها در قالب استعمار داده و اثر آن بر جنگ شناختی محدود است. در ادامه، پیشینه پژوهش‌های مرتبط با این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد تا جایگاه پژوهش حاضر در این حوزه روشن شود و شکاف‌های تحقیقاتی مشخص گردد؛

جینمای آرون در بررسی کتاب استعمار داده و اقتصاد سیاسی شرکت‌های بزرگ فناوری نشان می‌دهد که این شرکت‌ها با استفاده از روش‌های استثماری-که ریشه در نظام‌های استعماری دارد-داده‌ها را استخراج و بهره‌برداری می‌کنند؛ این فرایند تحت پوشش قانونی بین‌المللی حمایت می‌شود، چرا که این شرکت‌ها با لابی‌گری در نهادهایی نظیر سازمان تجارت جهانی، چارچوب‌هایی را شکل می‌دهند که رفتار آن‌ها را مشروع جلوه می‌دهد. با وجود این وضعیت، نویسندگان راه‌هایی برای مقاومت از بُد پایین پیشنهاد

می‌دهند، ازجمله، پروژه‌ای از سوی مردم مائوری به نام هایکو مدیا<sup>۱</sup> که در آن، این مردم به صورت مستقل، فرهنگ، زبان و دانش خود را ثبت کرده و بازنمایی می‌کنند- بدون آنکه شرکت‌ها آن‌ها را دگرگون کنند. با این کار، نشان داده می‌شود که اجرای اعتراض محلی، به‌ویژه با اتحاد فرامرزی، می‌تواند در برابر سلطه‌ی تکنولوژیک ایستادگی کند (Arun, 2025).

بریونینی و همکاران (۲۰۲۴) در نوشته‌ای با عنوان نقدهای استعمار داده بررسی می‌کنند که ساختارهای قدرت مبتنی بر داده اغلب الگوهای سنتی سلطه و نابرابری را بازتولید می‌کنند. به‌ویژه در این که زیرساخت‌های دیجیتال و کنترل جریان داده، عدم توازن‌های جهانی را تقویت می‌کند. آن‌ها بیان می‌کنند که کنترل داده یعنی کنترل زیرساخت و روایت‌ها؛ به این معنا که بازیگران اصلی فناوری می‌توانند افکار عمومی و تولید فرهنگی را به نحوی شکل دهند که قدرت و دسترسی نابرابر باقی بماند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که چارچوب‌های مدیریتی داده باید اخلاقی، عادلانه و غیرمتمرکز باشند، ازجمله با توانمندسازی جوامع از طریق مدل‌های غیرمتمرکز و سیاست‌های فراگیر تا این ساختارهای ناعادلانه کاهش یابد و آینده دیجیتال عادلانه‌تر و دموکراتیک‌تر شود (Brevini et al, 2024).

هانسن در مقاله «امپراتوری‌های پلتفرمی: بررسی استعمار داده و حرکت به سمت دکولونیالیزه‌سازی دیجیتال»، به تحلیل استعمار دیجیتال از منظر نظریه‌پردازانی مانند کالدری و مجیاس و همچنین اندیشمندانی چون ادوارد سعید می‌پردازد. او نشان می‌دهد که چگونه داده‌ها به ابزاری برای استعمار انسان‌ها تبدیل شده‌اند؛ به‌ویژه با تمرکز بر دو جنبه: نخست، استثمار نیروهای انسانی مانند محتوانویسان و دوم، کاربران نهایی فناوری‌های دیجیتال. هانسن همچنین به اهمیت حاکمیت داده و شفافیت الگوریتمی به‌عنوان ابزارهایی برای مقابله با این اشکال جدید استعمار اشاره می‌کند. او بر لزوم بازنگری در ایدئولوژی‌هایی تأکید دارد که داده‌ها را به‌عنوان منابع طبیعی برای استخراج و بهره‌برداری مشروع می‌شمارند و بر ضرورت مقابله با این ایدئولوژی‌ها برای تحقق دکولونیالیزه‌سازی دیجیتال تأکید می‌کند (Hansen, 2024).

<sup>1</sup>. Hiku Media

مقاله‌ی تسلیح‌سازی داده‌ها: نقش داده‌ها در جنگ‌های مدرن نوشته‌ی اولاسیا و کیامبا (۲۰۲۳) به بررسی جایگاه داده در جنگ‌های معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که داده به‌عنوان یک دارایی راهبردی در کنار سلاح‌های سنتی نقشی حیاتی یافته است. نویسندگان با تمرکز بر جنگ روسیه و اوکراین، توضیح می‌دهند که چگونه داده‌های عظیم و متناظر با منابع متن‌باز، در حوزه‌هایی چون جمع‌آوری اطلاعات، راهبری نظامی، نظارت، سنجش از دور و حتی مستندسازی جنایات جنگی به کار گرفته می‌شوند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که بهره‌گیری از داده در میدان نبرد نه تنها مزیت اطلاعاتی ایجاد می‌کند، بلکه ابعاد جدیدی از جنگ سایبری و جنگ شناختی را نیز برجسته می‌سازد. درعین حال نویسندگان بر ضرورت وضع مقررات و چارچوب‌های اخلاقی برای استفاده از داده در شرایط جنگی تأکید می‌کنند تا اصول انسانی و حقوق بشری نقض نشود.

مامفورد در مقاله‌ای با عنوان «استعمار داده: قانع‌کننده و مفید است، اما کدام معرفت؟» توضیح می‌دهد که مفهوم «استعمار داده» جذاب و مهم است و کمک می‌کند بفهمیم شرکت‌های بزرگ فناوری چگونه داده‌ها را جمع‌آوری و از آنها استفاده می‌کنند؛ اما به باور او این مفهوم از نظر علمی و فکری پایه‌های محکمی ندارد. به جای اینکه بر نظریه‌های عمیق فلسفی و انتقادی تکیه کند، بیشتر به صورت یک شعار یا روایت کلی استفاده می‌شود. مامفورد همچنین معتقد است که این بحث به اندازه کافی به دیدگاه‌های پساکولونیالی و دکولونیالی (که استعمار و سلطه را نقد می‌کنند) توجه نکرده است. به همین دلیل، اگر این کمبودها جبران نشود، استعمار داده فقط یک اصطلاح پرزرق و برق باقی می‌ماند و نمی‌تواند نقد جدی و عمیقی از ساختار قدرت در دنیای دیجیتال ارائه دهد (Mumford, 2022).

سه‌باز در مقاله‌ای با عنوان هوش مصنوعی و خطر استعمار نوین (۲۰۱۹)، هشدار می‌دهد که هوش مصنوعی با ماهیت ذاتی متمرکز و انحصارگرایانه خود، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک اقتصاد «تنها برنده می‌برد» است - اقتصادی که بیشترین سود را برای غول‌های داده‌ای نظیر ایالات متحده و چین به همراه دارد. این روند می‌تواند تأثیراتی معنادار بر اقتصادهای در حال رشد متوسط مانند برزیل، مکزیک، اندونزی، ترکیه و

آفریقای جنوبی داشته باشد و جایگاه بین‌المللی آن‌ها را تهدید کند. طبق تحلیل او، چرخه‌ای از مقیاس داده‌ای به دنبال جذب کاربران بیشتر (که داده تولید می‌کنند)، سپس به محصولات بهتر و نهایتاً بازگشت به جذب داده‌های بیشتر ایجاد می‌شود؛ چرخه‌ای که شکاف‌های جهانی قدرت را تعمیق می‌بخشد و استعمار داده‌ای را تسهیل می‌کند (sahbaz, 2019).

به طور کلی دو رویکرد محوری وجود دارد که مطالعات انتقادی پیرامون استعمار داده را چارچوب‌بندی می‌نمایند: رویکرد اول بر پیوند تاریخی و دیرینه بین سرمایه‌داری و استعمار تأکید دارد و نشان می‌دهد که رویه‌های داده‌ای پدیده‌ای جدید نیستند، بلکه مرحله‌ای نوین از پروژه‌ای چند قرنه در راستای استخراج منابع و سلب مالکیت از انسان‌ها به شمار می‌روند (Couldry & Mejias, 2019). در این دیدگاه زیرساخت‌های دیجیتال مانند سامانه‌های نظارتی، پلتفرم‌های الگوریتمی و رایانش ابری، منطق‌های استخراج‌گرایانه استعمار را تکرار می‌کنند به‌گونه‌ای که فعالیت‌های روزمره انسانی به داده‌های خام تبدیل می‌شوند تا توسط شرکت‌های فناورانه (عمدتاً مستقر در شمال جهانی) بدون رضایت آگاهانه یا بازگشت منافع، به سود تبدیل شوند (Thatcher et al, 2016)؛ اما رویکرد دوم بر خشونت‌های شناختی و معرفت‌شناختی که در فرایند داده محور شدن زندگی نهفته‌اند تمرکز دارد. نظام‌های داده‌ای با طبقه‌بندی، اولویت‌بندی و نظم‌بخشی به دانش‌ها، برخی شناخت‌ها را برجسته و برخی دیگر را حذف یا به حاشیه می‌رانند؛ امری که اغلب در راستای بازتولید معرفت‌شناسی‌های غربی و سلطه آن‌ها بر چگونگی فهم و حکمرانی بر مردم، رفتارها و محیط‌ها انجام می‌شود (Milan & Trere, 2020). این نوع سلطه، نه تنها مادی بلکه نمادین است و در شکل‌دهی به اینکه «کدام دانش معتبر است»، «چه کسی در زیرساخت‌های داده‌ای قابل رؤیت است» و «چه کسانی حذف یا بی‌صدا شده‌اند» نقش دارد (Couldry & Mejias, 2021). این دو رویکرد در کنار هم نشان می‌دهند که استعمار داده هم تداوم ساختارهای اقتصادی امپریالیستی است و هم بازآرایی نوعی اقتدار معرفتی در دل سرمایه‌داری دیجیتال.

با توجه به اهمیت داده‌ها در عصر دیجیتال و گسترش جنگ‌های شناختی، بررسی نقش استعمار داده به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تأثیرگذاری بر ادراک و تصمیم‌گیری جوامع اهمیت یافته است. با وجود مطالعات متعدد در زمینه جنگ شناختی و بهره‌برداری استعماری از داده‌ها، تحلیل دقیق این پدیده با تمرکز بر مفاهیم و اصول مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کمتر انجام شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند جایگاه استعمار داده در جنگ شناختی را شناسایی کرده و مکانیسم‌های آن را با تکیه بر راهبردها و رهنمودهای مندرج در بیانیه گام دوم بررسی کند و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که استعمار داده در متن بیانیه چگونه بازنمایی شده و چه کارکردهایی در مهندسی ادراک و تضعیف ذهنیت انقلابی ایفا می‌کند.

## تعریف مفاهیم و مبانی نظری

### بیانیه‌ی گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۷ منتشر شد راهبردها و نقشه‌ی راه پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در چهل سال دوم انقلاب را مشخص می‌کند. در این بیانیه با شناسایی تهدیدهای نوین سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اطلاعاتی بر خطرات نفوذ فرهنگی و جنگ شناختی دشمنان تأکید شده است؛ تهدیدهایی که می‌توانند باورها، هویت و تصمیم‌گیری جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین سلطه فناوری و وابستگی به داده‌ها و زیرساخت‌های خارجی به‌عنوان زمینه‌ساز سلطه دیجیتال و استعمار داده مطرح شده است. بر این اساس بیانیه گام دوم بر ضرورت تقویت استقلال فکری، توانمندی‌های داخلی و مدیریت هوشمندانه داده و اطلاعات تأکید می‌کند تا کشور بتواند مسیر پیشرفت و توسعه پایدار را با اقتدار طی کند. این نکات اهمیت بررسی نقش استعمار داده در جنگ شناختی و تحلیل مکانیسم‌های آن را در چارچوب راهبردهای بیانیه گام دوم برجسته می‌سازد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳).

## استعمار داده

استعمار مفهومی چندبعدی و تاریخی است که در رشته‌های مختلف به شیوه‌های گوناگونی تعریف گردیده است. در تعریف کلاسیک استعمار به سلطه و کنترل یک قدرت بر سرزمینی خارجی اطلاق می‌شود که شامل استخراج منابع، تحمیل اقتدار سیاسی و بازسازی نظام‌های اجتماعی و فرهنگی بومیان است. در شکل سنتی خود، استعمار با اشغال فیزیکی سرزمین همراه بود؛ چنان‌که در گسترش امپراتوری‌های اروپایی از قرن پانزدهم تا بیستم مشاهده می‌شود و اغلب از طریق ایدئولوژی‌هایی مثل برتری نژادی و مأموریت تمدن‌سازی توجیه می‌شد. با این حال، پژوهشگران پسااستعماری دامنه تعریف استعمار را گسترش داده‌اند تا اشکال پنهان‌تر و تداوم یافته سلطه را نیز شامل شود؛ از جمله وابستگی اقتصادی، کنترل شناختی و همانندسازی فرهنگی حتی پس از پایان رسمی استعمار سیاسی. از این دیدگاه، استعمار تنها به پدیده تاریخی امپراتوری‌ها محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به نابرابری‌های قدرتی اطلاق شود که از طریق سرمایه‌داری جهانی، تولید دانش و زیرساخت‌های فناورانه حفظ و بازتولید می‌شوند؛ بنابراین، استعمار نه یک رویداد جدا، بلکه ساختاری چندبعدی است که همچنان بر روابط معاصر میان شمال و جنوب جهانی، هم در بعد مادی و هم در سطح نمادین، تأثیرگذار است.

یکی از اشکال نوین استعمار، استعمار داده است. استعمار داده به معنای استخراج، مالکیت و کنترل داده‌های دیجیتال توسط بازیگران قدرتمند- بخصوص شرکت‌ها و دولت‌های مستقر در شمال جهانی- است که اغلب به بهای به حاشیه راندن جوامع کمتر برخوردار، به‌ویژه در جنوب جهانی، انجام می‌گیرد. این مفهوم بر پایه میراث تاریخی استعمار بنا شده است و استدلال می‌کند که شیوه‌های معاصر داده‌ای بازتابی از الگوهای پیشین سلطه امپریالیستی هستند، از جمله تصاحب زمین، نیروی کار و منابع (Couldry & Mejias, 2019). در این چارچوب، تجربه انسانی به ماده خامی برای استخراج، تجاری‌سازی و استفاده در نظارت، پیش‌بینی و دستکاری رفتاری تبدیل می‌شود؛ اغلب بدون رضایت یا بهره‌مندی کسانی که داده‌هایشان جمع‌آوری می‌شود (Zuboff, 2019). برخی پژوهشگران، استعمار داده را به‌مثابه مرحله‌ای جدید از «انباشت از طریق سلب مالکیت» تعریف می‌کنند

(Thatcher et al, 2016)، درحالی که دیگران بر خشونت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن تأکید دارند- خشونت‌ی که از طریق تحمیل شیوه‌های سلطه‌گراانه شناخت، دانایی و حکمرانی اعمال می‌شود (Ricaurte, 2019). ازاین‌رو، استعمار داده را می‌توان هم از منظر اقتصادی، به‌مثابه بهره‌کشی نابرابر از ارزش و هم از منظر معرفت‌شناسی، به‌مثابه سازوکاری برای حذف دانش‌های جایگزین و تقویت نظام‌های طبقه‌بندی و کنترلی غرب‌محور، مورد تحلیل قرار داد (Couldry & Mejias, 2021).

### امپراتوری‌های زیرساخت دیجیتال

ظهور امپراتوری‌های دیجیتال به معنای پدید آمدن شرکت‌های فراملیتی فناورانه قدرتمندی همچون گوگل، آمازون، فیسبوک (متا)، اپل و مایکروسافت است که با نفوذ بی‌سابقه‌ای بر زیرساخت‌های دیجیتال زندگی معاصر عمل می‌کنند. این امپراتوری‌ها تنها ارائه‌دهنده خدمات نیستند؛ بلکه زیرساخت‌های ارتباط، دانش و حکمرانی را شکل می‌دهند و در نظم جهانی جدید به‌مثابه نوعی حاکمیت مستقل عمل می‌کنند (Plantin & Punathambekar, 2019). از طریق کنترل بر سیستم‌های رایانش ابری، مراکز داده، اکوسیستم‌های هوش مصنوعی، پلتفرم‌های نظارت بر محتوا و بازارهای دیجیتال، این شرکت‌ها دسترسی به ارتباطات، فرصت‌های اقتصادی و گفت‌وگوی سیاسی را میانجی‌گری می‌کنند (Van Dijck et al. 2018). این قدرت زیرساختی اغلب بدون پاسخ‌گویی عمومی اعمال می‌شود و نوعی حاکمیت شرکتی فراملی را ایجاد می‌کند که اقتدار دولت‌های ملی را به چالش می‌کشد (Bratton, 2015). افزون بر این، امپراتوری‌های دیجیتال به رویه‌های استخراج‌گرایانه داده و وابستگی‌های پلتفرمی متکی هستند که نابرابری‌های جهانی را-به‌ویژه میان شمال و جنوب جهانی-تقویت می‌نمایند، چرا که کنترل داده، زیرساخت محاسباتی و توسعه هوش مصنوعی عمدتاً در اختیار چند شرکت غربی قرار دارند (Couldry & Mejias, 2019). ازاین‌رو، امپراتوری‌های دیجیتال نه فقط به‌مثابه اکوسیستم‌های فناورانه، بلکه به‌مثابه ساختارهای ژئوپلیتیکی و معرفت‌شناختی قابل تحلیل‌اند که روابط قدرت را در مقیاسی جهانی بازسازمان‌دهی می‌کنند.

## ساختار استعمار داده

سه مؤلفه اصلی استعمار داده عبارت‌اند از: ۱- زیرساخت و سخت‌افزار ۲- زنجیره ارزش داده ۳- امپریالیسم پلتفرمی. ساختار استعمار داده را می‌توان از طریق سه مؤلفه به هم پیوسته تحلیل کرد که به طور جمعی نابرابری‌های جهانی را در عصر دیجیتال بازتولید می‌کنند: زیرساخت و سخت‌افزار، زنجیره ارزش داده و امپریالیسم پلتفرمی. نخست، لایه فیزیکی استعمار داده-شامل کابل‌ها، ماهواره‌ها، مراکز داده و حسگرها-به‌طور عمده در کنترل شرکت‌ها و دولت‌های شمال جهانی قرار دارد و امکان انحصار در جریان‌های جهانی داده و شبکه‌های ارتباطی را برای آنان فراهم می‌سازد (Crawford, 2021). دوم، زنجیره ارزش داده که شامل مراحل استخراج، ذخیره‌سازی، پردازش و کسب سود از داده‌هاست، به گونه‌ای طراحی شده که ارزش را از جمعیت‌ها-به‌ویژه در جنوب جهانی- استخراج کند، اغلب بدون رضایت یا بازگشت منافع برای سوژه‌های داده‌ای. این جریان‌های داده به منابع انباشت سرمایه برای انحصارهای فناورانه تبدیل شده‌اند و وابستگی‌ها و نابرابری‌های جدیدی را تقویت می‌کنند (Thatcher et al, 2016). درنهایت، امپریالیسم پلتفرمی به سلطه پلتفرم‌های دیجیتال غربی- مانند فیسبوک، گوگل و آمازون- اشاره دارد که در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای گوناگون رسوخ کرده‌اند و بر شیوه‌های تولید دانش، شکل‌گیری هویت و حکمرانی بر جوامع تأثیرگذارند (Van Dijck et al, 2018). این سه مؤلفه در کنار هم نظامی ساختاری از استخراج دیجیتال و سلطه شناختی را شکل می‌دهند که الگوهای تاریخی سلطه استعماری را به درون عرصه داده و محاسبات انتقال می‌دهد.

## جنگ شناختی

جنگ شناختی به استفاده راهبردی از اطلاعات، داده‌ها و فناوری‌های ارتباطی برای تأثیرگذاری، اخلال یا کنترل افکار، باورها، احساسات و رفتارهای افراد یا گروه‌ها اطلاق می‌شود. برخلاف اشکال سنتی جنگ که زیرساخت‌های فیزیکی یا نیروهای نظامی را هدف قرار می‌دهند، جنگ شناختی می‌کوشد تا فرایندهای ادراک و تصمیم‌گیری انسانی را، اغلب بدون آگاهی، قربانی و دست‌کاری کند (Puyvelde, 2021). در این زمینه، داده‌های دیجیتال نقش بنیادی ایفا می‌کنند: مقادیر عظیمی از داده‌های رفتاری، بیومتریک و

روان‌نگاری-که از طریق شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های نظارتی و اپلیکیشن‌های موبایل جمع‌آوری می‌شوند-به بازیگران این حوزه امکان می‌دهند تا پروفایل‌های شناختی دقیقی از افراد بسازند (Zuboff, 2019). این پروفایل‌ها می‌توانند برای ساخت روایت‌های فوق هدفمند، ایجاد تفرقه یا جهت‌دهی به رفتار سیاسی از طریق الگوریتم‌ها، دیپ‌فیک‌ها و کمپین‌های اطلاعات نادرست به کار گرفته شوند (Bradshaw & Howard, 2019). پلتفرم‌های دیجیتال نه تنها میدان نبرد، بلکه سلاح جنگ شناختی هستند، زیرا زیرساخت‌های آن‌ها به دشمنان این امکان را می‌دهد که با هزینه کم و دامنه‌ای جهانی، افراد را به صورت خرد هدف قرار دهند. از این منظر، داده‌ها نه محصول جانبی زندگی دیجیتال، بلکه دارایی‌های راهبردی هستند که می‌توانند در عملیات روانی و اطلاعاتی مدرن به سلاح تبدیل شوند (DiResta, 2020). جنگ شناختی، به این ترتیب، هم‌گرایی عملیات سایبری، تکنیک‌های روان‌شناختی و پروفایل‌سازی مبتنی بر هوش مصنوعی را نشان می‌دهد که در آن داده‌های دیجیتال به ابزار تأثیرگذاری استراتژیک تبدیل شده‌اند.

### نظریه‌های استعمار داده

استعمار داده از دیدگاه کولدردی و مخیا، نشان‌دهنده یک تحول عمیق در نظم اجتماعی ناشی از منطق استخراج داده‌هاست. این مفهوم تنها یک استعاره برای بهره‌کشی دیجیتال نیست، بلکه گسترش مادی و ساختاری مناسبات استعماری تاریخی در عصر دیجیتال محسوب می‌شود (Couldry & Mejias, 2019). همان‌طور که استعمار سنتی به تصاحب زمین، نیروی کار و بدن انسان‌ها می‌پرداخت، استعمار داده زندگی روزمره انسان‌ها-احساسات، رفتارها و روابط-را به مثابه ماده خام برای کالاسازی و بهره‌برداری اقتصادی از طریق زیرساخت‌های دیجیتال مصادره می‌کند. به گفته کولدردی و مخیا، این فرآیند با بهره‌گیری از سازوکارهای نظارتی، تحلیل‌های پیش‌بینی‌گر و حکمرانی الگوریتمی، مناسبات اجتماعی را بازآرایی کرده و رژیم جدیدی از کنترل را پدید می‌آورد که عمدتاً خارج از نظارت عمومی عمل می‌کند. عدم توازن قدرت میان استخراج‌کنندگان داده (اغلب شرکت‌های بزرگ فناوری جهانی) و سوژه‌های داده (کاربران فردی)، نوعی وابستگی و سلطه جدید ایجاد می‌کند که آنان آن را به‌عنوان نظم نوین اجتماعی معرفی می‌کنند؛ نظمی که

کالاسازی از خود زندگی را امری عادی نشان می‌دهد (Coudry & Mejias, 2019). این نظم جدید در عین حال که پنهان و زیرکانه عمل می‌کند، به شدت فراگیر است و زیر پوشش گفتمان‌هایی چون شخصی‌سازی و کارآمدی، مفاهیمی چون خودمختاری، عاملیت و شهروندی را دگرگون می‌سازد. مفهوم استعمار داده بر این نکته تأکید دارد که عصر دیجیتال، نوعی ساختار امپریالیستی جدید را به وجود آورده که منطق سرمایه‌داری استخراجی را به حوزه‌های خصوصی و روزمره زندگی انسانی بسط می‌دهد. چارچوب تحلیلی کولدری و مخیا ما را وادار می‌سازد تا به شکل انتقادی درباره نقش زیرساخت‌های دیجیتال در شکل‌دهی روابط قدرت بیندیشیم و پرسش‌هایی اساسی درباره عدالت، رضایت آگاهانه و آینده دموکراسی مطرح نماییم.

بر پایه‌ی چارچوب‌های پسا‌ساختارگرا و مطالعات استعمارزدایانه، کاترینا گری (۲۰۲۱) استدلال می‌کند که استعمار داده نباید تنها تکراری از استعمار کلاسیک تلقی شود؛ بلکه فرآیندی مستمر از تصاحب، حاکمیت و تسلط بر دانش رایانه‌ای است که در ساختارهای سرمایه‌داری جهانی ریشه دارد. به گفته‌ی گری، سازوکارهای استخراج دیجیتال تنها به تولید ارزش اقتصادی محدود نمی‌شوند، بلکه به طور عمیق در بازآرایی سلسله‌مراتب‌های معرفت‌شناختی نیز نقش دارند. او تأکید می‌کند که قدرت داده‌ها تنها در قابلیت آن‌ها برای کسب درآمد نیست، بلکه در توانایی‌شان برای بازتعریف آن چیزی است که «دانش معتبر» تلقی می‌شود- آنچه دیده می‌شود، اندازه‌گیری می‌گردد و مشروعیت می‌یابد. این درهم‌تنیدگی دانش و ارزش، به آنچه گری «خشونت معرفت‌شناختی» می‌نامد منجر می‌شود؛ شرایطی که در آن، نظام‌های مسلط، منطق خاصی از فهم‌پذیری را تحمیل کرده و راه‌های بدیل شناخت را به حاشیه می‌رانند. این بازآرایی ساختارهای معرفتی، موجب تداوم نظام‌های نژادمحور طرد و حذف شده و فناوری‌های دیجیتال را به ابزارهایی برای کنترل بدن‌ها و دانایی‌ها، به‌ویژه در جهان جنوب، تبدیل می‌کند (Gray, 2021). در نتیجه، تحلیل گری نشان می‌دهد که استعمار داده تنها یک پروژه‌ی اقتصادی نیست، بلکه پروژه‌ای عمیقاً ایدئولوژیک و معرفت‌شناختی است. این روند، قدرت را از طریق سلب مشروعیت از نظام‌های دانایی غیرغربی بازتعریف کرده و اشکال نژادمحور طرد را زیر

پوشش بهره‌وری و جهان‌شمولی دیجیتال تشدید می‌کند. درک این موضوع، افق‌های تازه‌ای برای بازاندیشی در حکمرانی دیجیتال می‌گشاید و ما را به تصور بدیل‌های استعمارزدایانه برای رژیم‌های داده‌ای موجود فرا می‌خواند.

لویس مامفورد، چارچوب «استعمار داده» را به‌عنوان یک دریچه تحلیلی مؤثر برای درک آثار گسترده داده‌گرایی بر جوامع می‌پذیرد، به‌ویژه زمانی که این مفهوم بر پایه‌ی نظریه‌های پسااستعماری و استعمارزدایانه بنا شده باشد. او معتقد است که این رویکرد، پیوندهای عمیق تاریخی میان سرمایه‌داری و استعمار را آشکار می‌سازد و داده را نه تنها به‌مثابه محصولی خنثی از پیشرفت فناورانه، بلکه به‌مثابه ابزاری برای استخراج و تداوم مناسبات استعماری در عرصه دیجیتال بازتعریف می‌کند (Mumford, 2022). در این نگاه، داده محور شدن زندگی انسانی، تداوم فرآیندهای استعماری است که تجربه، کار و توجه انسان‌ها را به ماده خام برای بازارهای دیجیتال تبدیل می‌کند. با این حال، مامفورد در عین استقبال از این مفهوم، محدودیت‌های گفتمان فعلی درباره استعمار داده را نیز مورد نقد قرار می‌دهد. او اشاره می‌کند که اگرچه در این گفتمان، به مسائل پسااستعماری اشاره‌هایی پراکنده وجود دارد، اما نقد معرفت‌شناختی عمیق جایگاه محوری ندارد. تمرکز اصلی این گفتمان بر این است که «چه چیزی استخراج می‌شود؟»-کار، ارزش، هویت-و نه بر پرسش اساسی‌تر «چرا اروپا گمان می‌کند که بی‌طرف است؟». به باور مامفورد، این غفلت، از توان دگرگون‌ساز این چارچوب انتقادی می‌کاهد و پرسش‌های مهمی درباره اقتدار معرفتی غرب و خشونت‌های پنهان معرفتی را بی‌جواب می‌گذارد (Mumford, 2022). در نتیجه، مشارکت نظری مامفورد هم تأیید و نقدی بر گفتمان استعمار داده است: مامفورد از ظرفیت این چارچوب برای پیوند دادن فناوری‌های دیجیتال با تاریخ‌های سلب مالکیت دفاع می‌کند، اما در عین حال خواستار تعمیق نقدهای معرفت‌شناختی است که بتواند میراث استعماری عقلانیت غربی را به چالش بکشد. بدون این تعمیق، این چارچوب ممکن است خود به بازتولید همان منطق‌هایی بینجامد که قصد برچیدن آن‌ها را دارد.

مفهوم استعمار داده و نظریه‌ی سرمایه‌داری نظارتی شوشانا زوبوف، در تحلیل چگونگی تبدیل داده‌های شخصی به عرصه‌ای برای استخراج و کنترل در عصر دیجیتال، با

یکدیگر هم‌پوشانی دارند. درحالی‌که استعمار داده، همان‌گونه که توسط کولدبری و مخیا تبیین شده، بر تصاحب حیات انسانی از طریق داده‌ها تمرکز دارد و آن را با شیوه‌های استثمار استعماری تاریخی مقایسه می‌کند، چارچوب نظری زوبوف بر بهره‌برداری شرکت‌ها از داده‌های رفتاری برای پیش‌بینی و شکل‌دهی به رفتار انسان‌ها با هدف کسب سود تأکید دارد. از این منظر، سرمایه‌داری نظارتی به‌مثابه سازوکاری عمل می‌کند که از طریق آن استعمار داده به وقوع می‌پیوندد. هر دو نظریه بر این نکته اتفاق نظر دارند که زیرساخت‌های دیجیتال-به‌ویژه آن‌هایی که تحت مالکیت شرکت‌های بزرگ فناوری قرار دارند- اشکال جدیدی از قدرت نامتقارن را امکان‌پذیر می‌سازند که بدون رضایت واقعی، از حیات انسانی ارزش استخراج می‌کنند. زوبوف همچنین استدلال می‌کند که این فرآیند، منطق اقتصادی بی‌سابقه‌ای را شکل می‌دهد که در آن «مازاد رفتاری» انسان‌ها استخراج شده و به محصولات پیش‌بینی‌گر تبدیل می‌شود و به این ترتیب، مفهوم خودمختاری انسانی دگرگون می‌گردد (Zuboff, 2019). در این چارچوب، استعمار داده می‌تواند به‌مثابه معماری جهانی تلقی شود که از سرمایه‌داری نظارتی پشتیبانی می‌کند، به‌ویژه با عادی‌سازی تسخیر زندگی روزمره و ادغام آن در نظام‌های مداوم سودآوری و کنترل. این دو چارچوب در کنار هم نشان می‌دهند که مسئله فقط نقض حریم خصوصی نیست، بلکه شرایط کنشگری دموکراتیک و زندگی اجتماعی نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. در نتیجه، ترکیب دیدگاه‌های استعمار داده و سرمایه‌داری نظارتی، درک جامعی از نحوه بازتولید ساختارهای استثماری توسط اقتصادهای دیجیتال تحت پوشش نوآوری به دست می‌دهد. نظریه زوبوف منطق تجاری پشت استعمار داده را آشکار می‌سازد، درحالی‌که چارچوب استعماری بر تداوم تاریخی و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن تأکید دارد.

فرآیند استعمار داده را می‌توان به‌طور معناداری از طریق مفهوم «انباشت از طریق مصادره» که دیوید هاروی (۲۰۰۳) به‌مثابه به‌روزرسانی نظریه انباشت بدوی مارکس ارائه کرده، تبیین کرد. در این دیدگاه، سرمایه‌داری معاصر، دیگر تنها به تولید و مبادله متکی نیست، بلکه بیش از پیش بر مصادره-زمین، نیروی کار، دانش و اکنون داده‌های دیجیتال-تکیه دارد. استعمار داده این منطق را بازتاب می‌دهد، به‌گونه‌ای که تجارب، رفتارها و

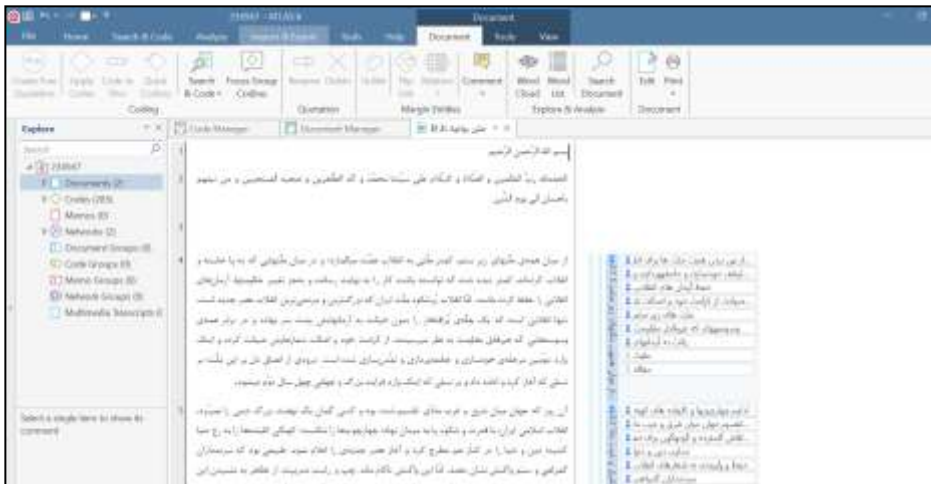
تعاملات روزمره افراد را بدون جبران یا رضایت مستقیم تصاحب کرده و آن‌ها را به کالاهایی برای کسب سود تبدیل می‌کند. همان‌طور که کولدری و مخیا استدلال می‌کنند، استعمار داده مرحله‌ای نوین از گسترش سرمایه‌داری است که خود زندگی انسانی را به منبعی برای استخراج ارزش تبدیل می‌کند. شباهت این دو فرایند در نحوه عمل آن‌ها از طریق محصورسازی است: همان‌طور که محصورسازی‌های تاریخی، زمین‌های عمومی را به تصرف درآوردند، محصورسازی‌های دیجیتال اکنون مالکیت ردپاهای دیجیتال زندگی اجتماعی را ادعا می‌کنند. این مصادره‌ها به تحلیل‌های پیش‌بینی‌گر و سیستم‌های هدف‌گیری رفتاری تغذیه می‌شود که منجر به خصوصی‌سازی دانش اجتماعی و تمرکز سرمایه اطلاعاتی در دست بازیگران غالب فناوری می‌گردد (Harvey, 2003)؛ بنابراین، استعمار داده را نمی‌توان تنها یک پدیده فناورانه دانست، بلکه بخشی از پروژه‌ای گسترده‌تر از انباشت از طریق مصادره در حوزه دیجیتال است. تبیین استعمار داده از طریق چارچوب هاروی نشان می‌دهد که این پدیده در منطق‌های تاریخی سرمایه‌داری ریشه دارد. این امر برجسته می‌کند که چگونه زیرساخت‌های دیجیتال به‌عنوان مرزهای جدیدی برای مصادره عمل می‌کنند، نابرابری‌های جهانی را تشدید کرده و خصوصی‌سازی تجربه انسانی را مشروعیت می‌بخشند.

مفهوم استعمار داده به طور انتقادی با نظریه نکرپولیتیک آپیل مېمبه نیز هم‌پوشانی دارد؛ نظریه‌ای که قدرت حاکمیت را در تعیین اینکه چه کسانی زنده بمانند و چه کسانی باید بمیرند بررسی می‌کند. مېمبه (۲۰۰۳) مفهوم قدرت زیستی فوکو را گسترش داده و کنترل نکرپولیتیک بر زندگی و مرگ، به‌ویژه در زمینه‌های خشونت استعماری و پسااستعماری را مورد توجه قرار می‌دهد. در عصر دیجیتال، استعمار داده شکلی جدید از قدرت نکرپولیتیک را به نمایش می‌گذارد که کنترل را فراتر از بدن‌های فیزیکی به بدن‌های اطلاعاتی افراد و جوامع گسترش می‌دهد. همان‌طور که داده‌گرایی، زندگی انسانی را کالامحور و زیر نظر می‌گیرد، ساختارهای طرد و خشونت را بازتولید می‌کند که منطق‌های استعماری مصادره و مرگ را تکرار می‌کنند (Couldry & Mejias, 2019). کنترل جریان‌های داده و هویت‌های دیجیتال تبدیل به مکانی می‌شود که قدرت نکرپولیتیک در

آن اعمال می‌شود-تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام جمعیت‌ها دیده شوند یا نادیده گرفته شوند، داده‌های کدام‌یک بهره‌برداری شود و حقوق کدام‌یک به وجود دیجیتال محدود یا نقض گردد. این دینامیک نابرابری‌های موجود را تشدید کرده و فضای دیجیتالی را شکل می‌دهد که مرگ، آسیب‌پذیری و حاشیه‌نشینی از طریق حکمرانی الگوریتمی و استخراج داده سازمان‌دهی می‌شود (Mbembe, 2019). پیوند استعمار داده با نکرپولیتیک نشان می‌دهد که قدرت دیجیتال تنها از طریق استخراج اقتصادی عمل نمی‌کند، بلکه از طریق کنترل حاکمیتی بر زندگی، دیده شدن و مرگ نیز به کار گرفته می‌شود. چارچوب نظری مبنی بر درک ما را از ابعاد خشونت‌آمیز داده‌گرایی عمیق‌تر کرده و ما را به اقداماتی انتقادی برای به چالش کشیدن نظم نکرپولیتیکی دیجیتال فرا می‌خواند.

### روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از نرم‌افزار ATLAS.ti انجام شده است. هدف از این روش، شناسایی و تفسیر لایه‌های معنایی و مفهومی مرتبط با مفاهیم «استعمار داده»، «مهندسی ادراک» و «جنگ شناختی» در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. تحلیل محتوا، روشی نظام‌مند برای بررسی داده‌های متنی به منظور استخراج مضامین، مفاهیم و سازوکارهای معنایی در شکل‌گیری و هدایت گفتمان‌ها به حساب می‌آید (Krippendorff, 2018). انتخاب این روش به دلیل ظرفیت آن در تحلیل متون ایدئولوژیک و راهبردی در چارچوب جنگ شناختی انجام شده است. متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌مثابه منبع داده‌ای اصلی در قالب فایل متنی به محیط نرم‌افزار ATLAS.ti وارد گردید. در مرحله نخست، با مطالعه‌ی مکرر متن، بخش‌های معنادار و مرتبط شناسایی و با استفاده از تکنیک کدگذاری باز، برجسته‌گذاری شدند.



شکل ۱: نمای از وارد کردن متن بیانیه گام دوم به محیط نرم‌افزار اطلس تی

در مرحله دوم، کدها در قالب مقوله‌ها و طبقات معنایی دسته‌بندی شدند. در مرحله نهایی، برای بازنمایی تصویری از روابط گفتمانی موجود در متن بیانیه، از ابزار Network View استفاده شد تا ساختار مفهومی گفتمان شناختی مقاومت و مواجهه با سلطه‌ی داده‌ای در گفتمان بیانیه گام دوم به‌طور گرافیکی و تبیینی ترسیم گردد.

### یافته‌ها

تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با رویکرد گفتمان‌شناسی استعمار داده و نقش آن در جنگ شناختی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار ATLAS.ti، منجر به استخراج چندین مقوله اصلی و زیرمقوله شد که بازتاب‌دهنده‌ی حضور مؤلفه‌های استعمار داده و جنگ شناختی در متن بیانیه هستند؛

جدول ۱. تحلیل مضمون

ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
۲:۱	توقف خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی	۱- از بین بردن همت انقلابی ملت ۲- خیانت به آرمان‌ها ۳- صیانت از کرامت خود و اصالت شعارها ۴- ستم بر ملت ۵- توقف خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی ۶- وسوسه‌های غیرقابل مقاومت ۷- حفظ آرمان‌های انقلابی		
۲:۲	سردمداران گمراهی	۸- حفظ و پایبندی به شعارهای انقلاب ۹- تقسیم جهان میان شرق و غرب مادی ۱۰- تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن صدای انقلاب ۱۱- تداوم چارچوب‌ها و کلیشه‌های کهنه ۱۲- تظاهر به نشنیدن صدای جدید و متفاوت انقلاب ۱۳- جدایی دین و دنیا		
۲:۳	ایجاد دل‌زدگی	۱۴- پایبندی مردم به ارزش‌های دینی و کوشش برای تحقق آن‌ها ۱۵- رویگردانی مسئولان از ارزش‌های دینی ۱۶- شعارهای جهانی این انقلاب دینی ۱۷- دل‌زده کردن مردم ۱۸- آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری ۱۹- فطرت بشر		
۲:۴	کنترل اراده انقلاب اسلامی	۲۰- ناسازگار ندیدن و تضاد میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی ۲۱- اراده انقلاب اسلامی ۲۲- انفعال ۲۳- هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل ۲۴- دچار نشدن به رکود و خموشی ۲۵- آمادگی انقلاب برای تصحیح خطاهای	۱- تحریف واقعیت و وارونه‌نمایی	

ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
۲:۵	از بین بردن مرزبندی‌ها و حساسیت‌های انقلاب اسلامی با رقیبان و دشمنان	خود ۲۶- انعطاف‌پذیری انقلاب ۲۷- تجدید نظرپذیری ۲۸- بهانه‌تراشی ۲۹- حساسیت نشان دادن به نقدهای مثبت ۳۰- فاصله از ارزش‌ها و ایمان دینی ۳۱- دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد	شناختی ۲- تضعیف بنیان‌های هویتی و ارزشی انقلاب	مهندسی شناخت و ادراک جمعی در راستای استعمار
		۳۲- از بین بردن احساس و ادراک انقلاب اسلامی ۳۳- برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند ۳۴- تضعیف قدرت نسل جوان مؤمن و دانا در طی کردن فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها ۳۵- از بین بردن حساسیت و مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان ۳۶- متحجر نشان دادن انقلاب اسلامی ۳۷- بی‌مبالاتی با خطوط اصلی انقلاب ۳۸- حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه ۳۹- تضعیف پابندی به اصول در انقلاب اسلامی ۴۰- فاصله انداختن میان بایدها و واقعیت‌ها	۳- استعمار داده به‌منابه ابزار جنگ نرم و رسانه‌ای و از همه مهم‌تر جنگ شناختی ۴- ایجاد انفعال اجتماعی و سیاسی ۵- سوء استفاده از داده و دانش در خدمت استعمار نو ۶- تضعیف نسل جوان و نخبگان آینده‌ساز ۷- مداخله در سیاست‌های داخلی از طریق داده و	داده برای تضعیف هویت انقلابی و استقلال فکری- سیاسی ملت ایران
۲:۶	منفعل و مردد کردن انقلاب	۴۱- قدرتمند بودن انقلاب اسلامی ۴۲- دفاع کردن از خود ۴۳- جوانمردی و مروّت انقلابی ۴۴- دفاع از مظلومان و مستضعفان ۴۵- دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان ۴۶- متجاوز نبودن انقلاب ۴۷- صداقت و صراحت و اقتدار انقلاب ۴۸- مهربان و باگذشت بودن انقلاب ۴۹- منفعل و مردد نبودن انقلاب ۵۰- با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده	شناختی ۲- تضعیف بنیان‌های هویتی و ارزشی انقلاب	مهندسی شناخت و ادراک جمعی در راستای استعمار

ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
		۵۱- بی رحم و خون‌ریز نبودن انقلاب ۵۲- دوری بودن از افراط‌ها و چپ‌روی‌ها	روایت‌سازی	
۲:۷	انقطاع انقلاب از تجربه و گذشته (شکل دادن به بساحقیقت انقلاب توسط رهنان فکر و عقیده و آگاهی)	۵۳- تهدیدهای ناشناخته آینده ۵۴- اهمیت کارآموده و پُرانگیزه بودن برای حراست از انقلاب ۵۵- برداشتن گام‌های استوار در آینده ۵۶- ضرورت جهاد جوانان در میدان عمل ۵۷- حریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال ۵۸- ضرورت شناخت صحیح گذشته ۵۹- حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید ۶۰- جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ۶۱- رهنان فکر و عقیده و آگاهی ۶۲- بهره‌گیری دشمنان از پول و همه‌ی ابزارها ۶۳- ایجاد تمدن نوین اسلامی ۶۴- گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت ۶۵- اهمیت تجربه برای دانستن ۶۶- نشان دادن دروغ‌ها به جای حقیقت ۶۷- آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فدا) ۶۸- انگیزه قوی دشمنان انقلاب		
۲:۸	بازگرداندن وابستگی	۶۹- یکتایی راه انقلاب ۷۰- انقلاب اسلامی از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده ۷۱- انقلابیون اسلامی بدون سرمشق، الگو و تجربه آغاز کردند ۷۲- هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی ره ۷۳- وابستگی به بیگانه ۷۴- ترکیب جمهوریت و اسلامیت		

ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
۲:۹	تاب‌آوری انقلاب در برابر دشمن	۷۵-انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد ۷۶- زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد ۷۷-انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده‌ی امام عظیم الشان ۷۸-نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم ۷۹-تاب آوردن در برابر خصومت و شقاوت و توطئه و خبثت ۸۰-قدرت عظیم ایمان ۸۱-نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان ۸۲-تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»		
۲:۱۰	اعتقاد به اصل ما می‌توانیم	۸۳-جهادهای بزرگ ۸۴-پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی ۸۵- مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی ۸۶-پیشرفت‌های چهل ساله‌ی ملت ایران به‌درستی دیده شود ۸۷- افتخارات درخشان ۸۸-گام‌های بلندتر و استوارتر به جلو		
۲:۱۱	تحقیر، عقب‌ماندگی و انحطاط	۸۹-روحیه و باور «ما می‌توانیم» ۹۰- مدیریت کشور ۹۱-اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت ۹۲-جوانان میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت ۹۳- انحطاط تاریخی ۹۴-عقب‌ماندگی کشور ۹۵-مسیر پیشرفت سریع ۹۶-برکت تحریم دشمنان ۹۷-تحقیر کشور ۹۸-		

ردیف متن	کوئیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
		حکومت مردمی و مردم‌سالاری ۹۹-عنصر اراده‌ی ملی، جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است		
۲:۱۲	اهمیت علم و فناوری	۱۰۰-اهمیت روحیه و حضور و احساس جمعی در پیشرفت کشور ۱۰۱-ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود ۱۰۲-ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها ۱۰۳-موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی ۱۰۴-دشمنی آمریکایی و اروپایی ۱۰۵-ایران پیش از انقلاب در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت		
۲:۱۳	منحرف کردن مشارکت مردم	۱۰۶-حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی ۱۰۷-فتنه‌های داخلی ۱۰۸-مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی ۱۰۹-موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری ۱۱۰-مشارکت مردمی در مسائل سیاسی مانند انتخابات		
۲:۱۴	بصیرت و بینش سیاسی	۱۱۱-تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد ۱۱۲-بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی ۱۱۳-تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی برای همه		

تم اصلی	ساب تم‌ها	مفاهیم	کو تیشن	ردیف متن
		<p>روشن و قابل فهم شد ۱۱۴- تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن</p>		
		<p>۱۱۵- مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند ۱۱۶- آمار بزرگراه سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور ۱۱۷- مبارزه با بی‌عدالتی ۱۱۸- عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور ۱۱۹- مدیران جهادی و با اخلاص ۱۲۰- جمهوری اسلامی مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود ۱۲۱- جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان ۱۲۲- خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور ۱۲۳- تبلیغات نارسای مسئولان</p>	جنگ تبلیغاتی	۲:۱۵

ردیف متن	کوئیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
		۱۲۴- کارکرد عدالت در کشور ۱۲۵- زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف نکرده است		
۲:۱۶	منزوی کردن اخلاق و معنویت با تبلیغات	۱۲۶- تبلیغات مروج فساد و بی بندوباری ۱۲۷- مجاهدت‌های جوانان ۱۲۸- نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت ۱۲۹- لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشاند ۱۳۰- دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد ۱۳۱- صف نوبت برای فداکاری ۱۳۲- ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار ۱۳۳- همراهی مصیبت با شکر ۱۳۴- رونق مساجد و فضاهای دینی ۱۳۵- منزوی کردن خلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم با تبلیغات ۱۳۶- احساس وظیفه‌ی دینی ۱۳۷- تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد ۱۳۸- رواج رفتار و منش حضرت امام خمینی ره ۱۳۹- عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه ۱۴۰- رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی		
۲:۱۷	سلطه دوباره و	۱۴۱- تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری		

ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
	دست‌اندازی به استقلال کشور	از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن ۱۴۲-گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر ۱۴۳- قدرت‌های انحصارگر جهان ۱۴۴-سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور ۱۴۵- دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود ۱۴۶-نماد پر ابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان		
۲:۱۸	پنهان کردن دستاوردهای انقلاب	۱۴۷-انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار ۱۴۸-بی‌توجهی به شعارهای انقلاب ۱۴۹-دستاوردهای انقلاب ۱۵۰-انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها ۱۵۱-رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی ۱۵۲-مشکلات کنونی ۱۵۳-مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ ۱۵۴-رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن ۱۵۵-دارای تأثیر اساسی در منطقه ۱۵۶- جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی ۱۵۷- غفلت از جریان انقلابی ۱۵۸-پیشرفته در علم ۱۵۹-دارای منطق قوی در مسائل جهانی ۱۶۰-کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین		
۲:۱۹	جهاد برای	۱۶۱-جایگاه متعالی و شایسته‌ی ملت		

تم اصلی	ساب تم‌ها	مفاهیم	کو تیشن	ردیف متن
		<p>ایران در چشم جهانیان ۱۶۲- همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار جوانان</p> <p>۱۶۳- چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی ۱۶۴- ایران</p> <p>الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی ۱۶۵- ایرانیان خودفروخته ۱۶۶- کوتاه کردن دست عمال بیگانه ۱۶۷- جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت ۱۶۸- مسیر به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی</p> <p>۱۶۹- ایران مقتدر ۱۷۰- برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا ۱۷۱- دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت ۱۷۲- بهره بردن از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته ۱۷۳- تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران ۱۷۴- حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی ۱۷۵- چالش‌های مستکبران ۱۷۶- گاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی</p> <p>۱۷۷- عمل جهادی ۱۷۸- رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی ۱۷۹- مسئولیت‌پذیری مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت</p>	<p>ساختن ایران مقتدر</p>	

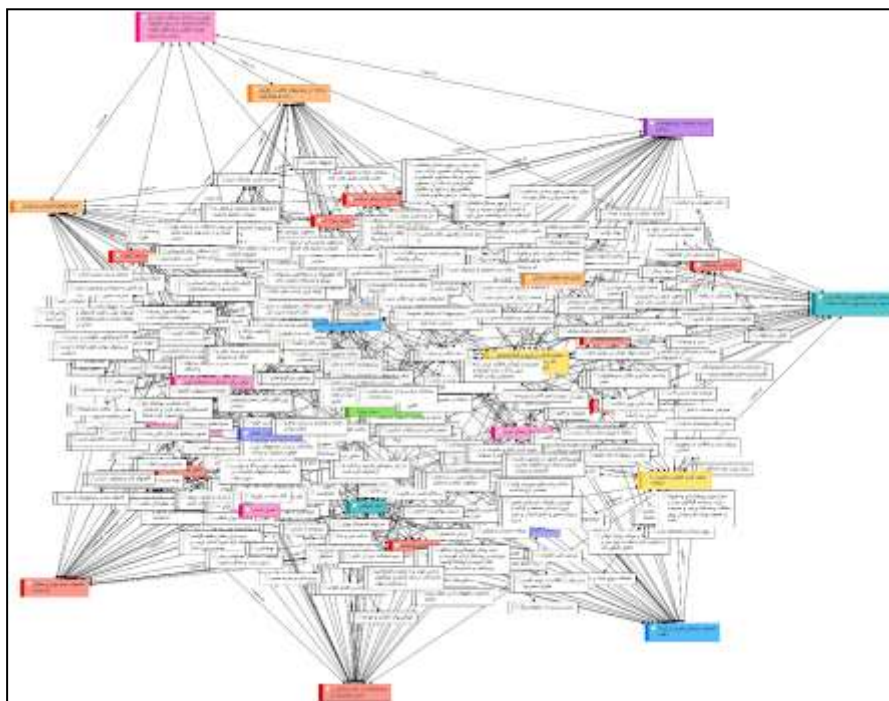
ردیف متن	کوتیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
۲:۲۰	اعتماد به نفس ملی	۱۸۰-مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند ۱۸۱-اعتماد به نفس کشور ۱۸۲-منابع عظیم زیرزمینی ۱۸۳-جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمند ۱۸۴- فرصت‌های مادی کشور ۱۸۵-انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند ۱۸۶-بازار بزرگ منطقه‌ای ۱۸۷-موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب ۱۸۸-بازار بزرگ ملی ۱۸۹-همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی ۱۹۰-غفلت دست‌اندرکاران ۱۹۱- در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند ۱۹۲-مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.		
۲:۲۱	محاصره تبلیغاتی	۱۹۳-مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان ۱۹۴-اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد ۱۹۵-خبرهای دروغ ۱۹۶-امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده ۱۹۷-تحلیل‌های مغرضانه ۱۹۸-وارونه نشان دادن واقعیت‌ها ۱۹۹-دنباله‌های دشمنان در داخل کشور ۲۰۰-مرزبندی با دشمن ۲۰۱-سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن ۲۰۲-علم و پژوهش ۲۰۳-معنویت و اخلاق ۲۰۴-محاصره‌ی تبلیغاتی ۲۰۵-		

تم اصلی	ساب تم‌ها	مفاهیم	کو تیشن	ردیف متن
		استقلال و آزادی ۲۰۶- هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران ۲۰۷- ترس و نومیدی ۲۰۸- عزت ملی و روابط خارجی ۲۰۹- دوری از امید کاذب و فریبنده ۲۱۰- مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده ۲۱۱- سبک زندگی ۲۱۲- استفاده از آزادی‌ها در خدمت حرکت دشمن ۲۱۳- بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ ۲۱۴- نومیدی بیجا و ترس کاذب ۲۱۵- یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی ۲۱۶- پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش		
		۲۱۷- تحریم مالی و تحریم علمی ۲۱۸- جریان دشمن ساز ۲۱۹- نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش ۲۲۰- سوءاستفاده غرب از دانش ۲۲۱- ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم ۲۲۲- تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم ۲۲۳- رستاخیز علمی در کشور ۲۲۴- به دست گرفتن اختیار سیاست و اقتصاد کشور	سوءاستفاده غرب از دانش	۲:۲۲
		۲۲۵- کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند ۲۲۶- شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند ۲۲۷- تهاجم روزافزون دشمنان با ابزارهای رسانه‌ای به دل‌های	تهاجم رسانه‌ای	۲:۲۳

ردیف متن	کوئیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
		پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها ۲۲۸-ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است ۲۲۹- جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند		
۲:۲۴	القای ضعف درونی	۲۳۰- استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور ۲۳۱- درون‌زایی اقتصاد کشور ۲۳۲- همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است ۲۳۳- مردمی کردن اقتصاد ۲۳۴- مولد شدن و دانش‌بنیان شدن ۲۳۵- کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی ۲۳۶- تحریم و وسوسه‌های دشمن ۲۳۷- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی ۲۳۸- تلاش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است ۲۳۹- یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت ۲۴۰- القاء ۲۴۱- زیان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی ۲۴۲- با صد زبان ۲۴۳- اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است ۲۴۴- سیاست‌های اقتصاد مقاومتی		
۲:۲۵	سکوت، پنهان‌سازی و واژگونه نمایی	۲۴۵- توطئه‌ی واژگونه نمایی ۲۴۶- سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است ۲۴۷-		

ردیف متن	کوئیشن	مفاهیم	ساب تم‌ها	تم اصلی
		فرب‌گری		
۲:۲۶	آزادی و استقلال ملی	۲۴۸-استقلال ملی ۲۴۹-آزادی ملت و حکومت ۲۵۰-تأویل و توجیه‌های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه ۲۵۱-تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر ۲۵۲-آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه		
۲:۲۷	هراس آفرینی	۲۵۳-سردمداران نظام سلطه نگران‌اند ۲۵۴-پیشنهاد‌های آن‌ها عموماً شامل فرب و خدعه و دروغ است ۲۵۵-نهراسیدن ۲۵۶-تهدیدهای پوچ ۲۵۷-عقب‌نشینی ۲۵۸-متن بیانیه ۲۵۹-عزت ملی ۲۶۰-اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌الملل ۲۶۱-مرزبندی با دشمن		
۲:۲۸	ترویج سبک زندگی غربی	۲۶۲-تلاش غرب در ترویج ۲۶۳-جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه علیه ترویج سبک زندگی غربی ۲۶۴-مقابله با ترویج سبک زندگی غربی ۲۶۵-تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران ۲۶۷-سبک زندگی ۲۶۷-زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴



شکل ۲: شبکه مضامین پژوهش

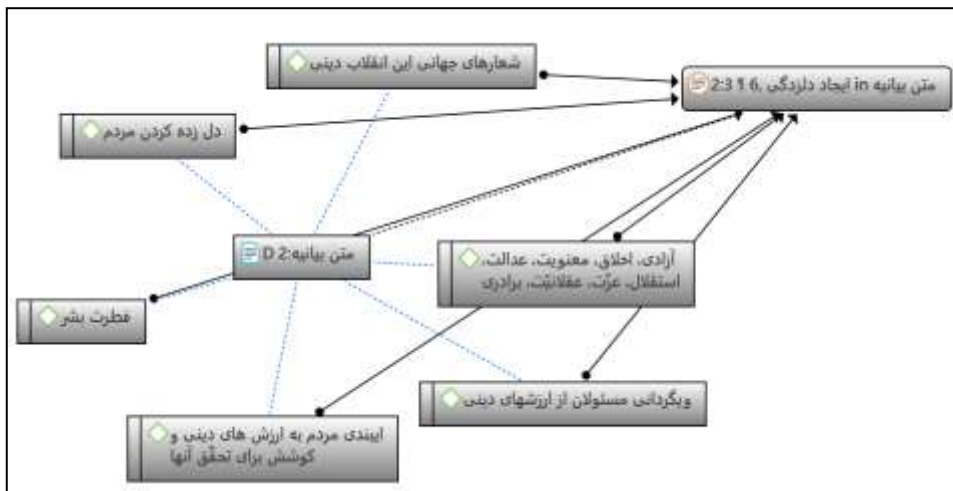
منبع: خروجی نرم‌افزار اطلس تی، ۱۴۰۴

### بحث و تحلیل

در این پژوهش بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد تحلیل مضمون قرار گرفت تا بازتاب مفهومی استعمار داده در قالب جنگ شناختی در آن بررسی شود. ۲۸ کوتیشن کلیدی استخراج شد که مضامین آن به مفاهیم بنیادینی در حوزه تهدیدات استعمار داده اشاره دارد. بخش قابل توجهی از بیانیه، به‌ویژه کوتیشن‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۷ و ۲۵ حاکی از تلاش دشمن برای واژگونه‌سازی واقعیات، القای ناکارآمدی، تحریف دستاوردها و تشویق به انفعال است؛ کوتیشن ۱ توقف خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را مهم‌ترین هدف استعمار داده از طریق جنگ شناختی معرفی می‌کند؛ «...انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که



کوتیشن ۳ (۲:۳) با عنوان ایجاد دل‌زدگی به‌نوعی یکی از محصولات نهایی استعمار داده و جنگ شناختی را برای مردم ایران معرفی می‌کند. «... طول عمر مفید و تاریخ مصرف ... شعارهای جهانی این انقلاب دینی؛ ...بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد... فطرت بشر با آن سرشته ... آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری... مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. ... روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی ... و پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). نکته مهم این بحث که با تمدن‌سازی و کوتیشن ۱ نیز ارتباط دارد تلاش سردمداران گمراهی علاوه بر دل‌زدگی، تغییر فطرت بشر است که هرچند بعید می‌نماید اما با سابقه‌ای که از خوی تمدن غربی سراغ داریم نباید منکر این هدف باشیم.

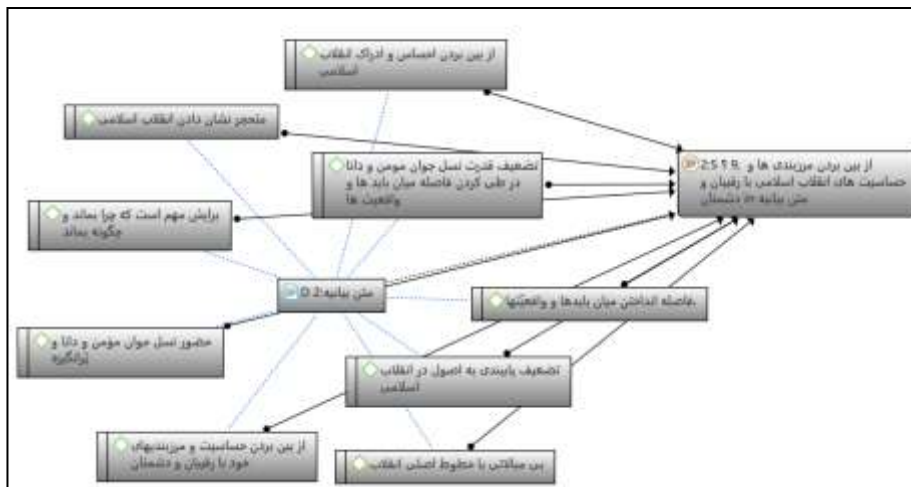


شکل ۵: شبکه مضامین کوتیشن ۳ با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی

منبع: خروجی نرم‌افزار اطلس تی، ۱۴۰۴

کوتیشن (۲:۵) از بین بردن مرزبندی‌ها و حساسیت‌های انقلاب اسلامی با رقیبان و دشمنان را به‌عنوان کاربرد استعمار داده برای جنگ شناختی ذکر می‌کند: «...جمهوری اسلامی، متحجر ... فاقد احساس و ادراک ... به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز

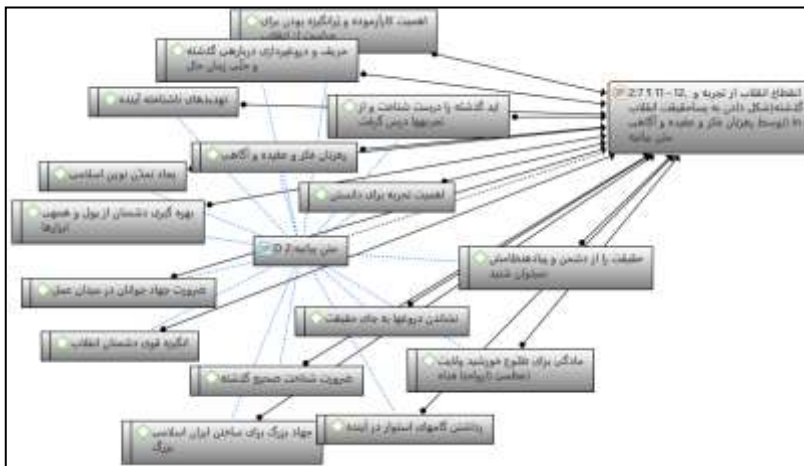
بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. ... فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها...» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).



شکل ۶: شبکه مضامین کوتیشن ۵ با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی

منبع: خروجی نرم‌افزار اطلس تی، ۱۴۰۴

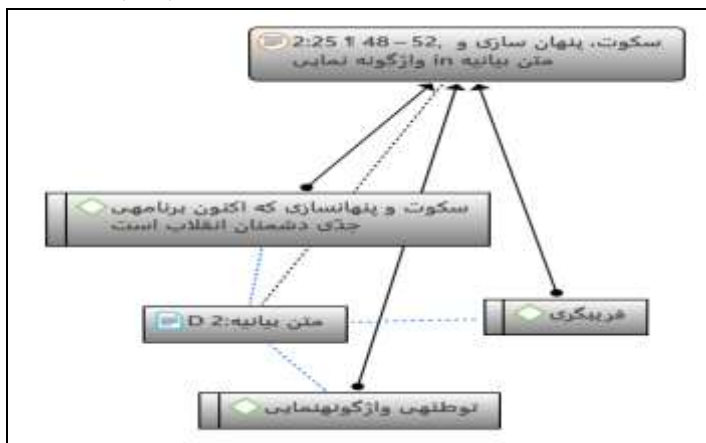
کوتیشن (۲:۷) با عنوان انقطاع انقلاب از تجربه و گذشته (شکل دادن به پساحقیقت انقلاب توسط رهنان فکر و عقیده و آگاهی) را در ارتباط با موضوع پژوهش برجسته می‌نماید: «...درباره‌ی گذشته... تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران ... نسل شما هنوز نیازموده و ندیده ... کارآموده و پُرانگیزه ... حراست ... برداشتن گام‌های استوار در آینده... گذشته را درست شناخت ... از تجربه‌ها درس گرفت... دروغ‌ها به جای حقیقت ... تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب ... تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند ... پول و همه‌ی ابزارها برای آن ... رهنان فکر و عقیده و آگاهی ... حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).



شکل ۷: شبکه مضامین کوتیشن ۷ با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی

منبع: خروجی نرم‌افزار اطلس تی، ۱۴۰۴

کوتیشن (۲:۲۵) سکوت، پنهان‌سازی و واژگونه‌نمایی را در بحث استعمار داده برجسته می‌نماید: «... و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است...» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).



شکل ۸: شبکه مضامین کوتیشن ۷ با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی

منبع: خروجی نرم‌افزار اطلس تی، ۱۴۰۴

این سیاست‌ها دقیقاً در راستای جنگ شناختی هدایت شده از طریق داده‌ها، روایت‌های دست‌کاری شده، آمارهای تقطیع شده و بازنمایی ساختگی واقعیت‌ها هستند. مفاهیمی

نظیر «تحریف شناختی»، «جنگ ادراک» و «استعمار رسانه‌ای» در این بخش بارز است. جدول تحلیل مضمون بیانیه در چندین مورد (از جمله کوتیشن‌های ۴، ۵، ۶، ۱۰ و ۱۱) نسبت به خطر فراموشی حافظه تاریخی و انقطاع از هویت انقلابی هشدار می‌دهد. در اینجا، استعمار داده با بهره‌گیری از «روایت‌های جایگزین» می‌کوشد نسل جوان را از ریشه‌های هویتی خود جدا کند. این رویکرد یکی از مؤلفه‌های برجسته جنگ شناختی با پشتوانه استعمار داده‌ها است. کوتیشن‌های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۶ و ۲۷ به برنامه‌ریزی برای یأس‌آفرینی، نفی خودباوری، ترویج نگاه بیرونی و وابسته و تحقیر بومی‌سازی دانش می‌پردازند. در این مضامین، الگوی استعمار داده با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، الگوریتم‌های تحلیل احساسات و تکنیک‌های بازنشر هدفمند، به دنبال تولید اضطراب شناختی و تخریب اعتماد اجتماعی است. در کنار ابعاد تهدید، بیانیه بر بازتولید امید، اعتماد به نفس ملی و جهاد تبیینی تأکید می‌کند. کوتیشن‌هایی مانند ۶، ۹، ۱۱، ۲۰ و ۲۳ مفاهیمی چون «خودتکایی»، «امیدآفرینی»، «ارتقاء آگاهی عمومی» و «هویت تمدنی» را به مانند راهبردهای دفاع شناختی معرفی می‌کنند. این بخش‌ها، ناظر به ایجاد سامانه‌ای از بازدارندگی شناختی در برابر استعمار داده هستند.

### نتیجه‌گیری

این مقاله در راستای قرائت آیت‌الله خامنه‌ای از استعمار، با معرفی استعمار نوین به مثابه سلطه‌ای غیرمستقیم، اطلاعاتی، ادراکی و روانی، مسیر تاریخی این پدیده را از استعمار فیزیکی به استعمار شناختی دنبال کرده است. بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استعمار نوین با ابزارهایی مثل رسانه، ماهواره، اینترنت و داده به دنبال استحاله هویت ملت‌هاست. ایشان استعمار داده را ادامه منطقی سلطه تاریخی غرب و مصداق بارز «قدرت نرم تهاجمی» تلقی می‌کند که بنیادهای فرهنگی و سیاسی جوامع مستقل را هدف می‌گیرد. استعمار داده در این متن به معنای کنترل و استخراج داده‌ها توسط دولت‌ها و شرکت‌های غربی و استفاده از آن‌ها برای طبقه‌بندی، حکمرانی و مهندسی شناخت انسان‌ها تعریف شده است. در این معنا با ارجاع به نظریه‌های کولدری و مخیا، شوشانا زویوف، آچیل ممبره، دیوید هاروی و کاترینا گری، نشان داده شد که استعمار داده نه تنها اقتصادی بلکه

معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و سیاسی است و با فرایندهایی چون انباشت از طریق مصادره، خشونت شناختی و حکمرانی الگوریتمی ارتباط دارد. مؤلفه‌های نظری مهم در این متن شامل «سرمایه‌داری نظارتی» (زوبوف)، «نکروپولیتیک دیجیتال» (مبمبه)، «خشونت معرفت‌شناختی» (گری) و «امپریالیسم پلتفرمی» است که به تحلیل پیچیده‌ای از حکمرانی دیجیتال در متن استعمار نوین منجر می‌شود. سه رکن اصلی استعمار داده نیز زیرساخت و سخت‌افزار جهانی، زنجیره ارزش داده‌ها و سلطه پلتفرمی شرکت‌های غربی بررسی شدند.

در بخش تحلیل مضمون، متن بیانیه گام دوم با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti کدگذاری شده است. این کدگذاری به استخراج ۲۸ کوتیشن و ۲۷۴ کد مفهومی منجر شده که در قالب ۷ زیر مضمون (ساب‌تم) دسته‌بندی شده‌اند. هر یک از این ساب‌تم‌ها، حاصل تحلیل مضامین موجود در ۲۸ کوتیشن کلیدی مستخرج از متن بیانیه هستند. نمودارهای شبکه‌ای نیز ارتباط معنایی میان مفاهیم را با گراف مفهومی نشان داده‌اند که تمرکز دشمن بر مهار ادراک، تخریب هویت و وارونه‌سازی روایت‌ها را اثبات می‌کند. بخصوص مفاهیمی چون «رهزنان فکر و آگاهی»، «فاصله انداختن میان واقعیت و باید‌ها»، «متحجر نشان دادن انقلاب»، «واژگونه‌نمایی» و «بی‌حس‌سازی نسبت به اصول انقلاب» مؤلفه‌های بارز این مهندسی شناختی‌اند. در مجموع، نویسنده با استفاده از تلفیق گفتمان رهبری، نظریه‌های پسااستعماری و ابزارهای تحلیلی کیفی، ساختاری از استعمار داده را بازسازی می‌کند که هدف نهایی آن، انقطاع جامعه ایرانی از خود، از گذشته و از آینده تمدنی‌اش است؛ تحلیلی که فراتر از انتقاد فناورانه بوده و به لایه‌های معرفت، هویت و اراده سیاسی نفوذ دارد.

کوتیشن‌های ۱، ۲، ۷ و ۲۵ نشان می‌دهند که استعمار داده از طریق روایت‌سازی‌های هدفمند، واقعیت‌های تاریخی و دستاوردهای انقلاب را تحریف می‌کند. به‌عنوان مثال کوتیشن ۱ (توقف خودسازی و تمدن‌سازی) و کوتیشن ۲۵ (واژگونه‌نمایی) بر تلاش دشمن برای جایگزینی حقایق با روایت‌های جعلی تأکید دارند. این تحریف‌ها به‌منظور

ایجاد «پساحقیقت» طراحی شده‌اند، جایی که احساسات جایگزین واقعیت‌های عینی می‌شوند.

یا کوتیشن‌های ۳، ۵ و ۷ نشان می‌دهند که هدف اصلی استعمار داده، قطع ارتباط نسل جوان با هویت انقلابی و حافظه تاریخی است. مثلاً کوتیشن ۳ (ایجاد دل‌زدگی) و کوتیشن ۵ (از بین بردن مرزبندی‌ها) بر القای بی‌تفاوتی و انفعال در جوانان تمرکز دارند. این امر با استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی و محتوای هدفمند انجام می‌شود. همچنین کوتیشن‌های ۴، ۶ و ۲۴ بر تلاش برای تغییر نگرش‌های سیاسی و ایجاد انفعال اجتماعی تأکید دارند.

کوتیشن ۲۴ (القای ضعف درونی) نشان می‌دهد که دشمن با بزرگ‌نمایی مشکلات داخلی، اعتماد به نفس ملی را تضعیف می‌کند که این مهندسی ادراک، مقدمه‌ای برای پذیرش سلطه خارجی است.

تم اصلی پژوهش مهندسی شناخت و ادراک جمعی گویای آن است که استعمار داده از سه مکانیسم اصلی برای پیشبرد جنگ شناختی استفاده می‌کند: ۱- تخریب هویت از طریق قطع ارتباط با گذشته انقلابی. ۲- تضعیف اراده با القای ناکارآمدی و وابستگی و ۳- جایگزینی روایت‌ها با تحریف حقایق و ترویج سبک زندگی غربی.

نمودارهای شبکه‌ای نشان می‌دهند که مفاهیمی مانند «رهزنان فکر و آگاهی»، «فاصله انداختن بین باید‌ها و واقعیت‌ها» و «متحجر نشان دادن انقلاب» به شکل سیستماتیک به هم مرتبط هستند. این شبکه‌بندی معنایی، الگوی منسجمی از جنگ شناختی را آشکار می‌سازد که مبتنی بر داده‌ها و الگوریتم‌های دیجیتال است. یافته‌های اصل حاصل از تحلیل مضامین نیز نشان می‌دهند که داده‌ها نه تنها برای نظارت، بلکه برای پیش‌بینی و تغییر رفتارها استفاده می‌شوند (بر اساس نظریه زیوف درباره‌ی سرمایه‌داری نظارتی). به‌عنوان مثال کوتیشن ۲۲ (سوءاستفاده غرب از دانش) نشان می‌دهد که چگونه داده‌های آموزشی و علمی هم ابزاری برای سلطه هستند. یا به‌عنوان مثال درباره‌ی نقش سکوه‌های دیجیتال زیر مضمون امپریالیسم پلتفرمی (در نظریه کولدبری و مخیا) در کوتیشن‌های ۲۱ و ۲۳ موجود است، جایی که رسانه‌های غربی به‌عنوان ابزار تهاجم شناختی عمل می‌کنند. یا

درباره پیوند استعمار داده با استعمار تاریخی به عنوان مثال در کوتیشن ۱۷ (سلطه دوباره و دست‌اندازی به استقلال) آمده است که استعمار داده، بازتولید همان اهداف استعمار کلاسیک با ابزارهای جدید است.

### پیشنهادها

۱. تقویت خودباوری ملی و اعتماد به نفس داخلی (مطابق با کوتیشن‌های ۱۱، ۲۰ و ۲۳):

راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با عنوان ما می‌توانیم برای نمایش دستاوردهای علمی و فناورانه ایران.

ایجاد شبکه‌های مردمی برای شناسایی و انتشار روایت‌های اصیل انقلابی.

۲. مقابله با تحریف واقعیت و واژگون‌نمایی (مطابق با کوتیشن‌های ۱، ۷، ۲۵):

راه‌اندازی سامانه‌های رصد و راستی‌آزمایی اخبار و داده‌ها با استفاده از هوش مصنوعی.

۳. جلوگیری از انقطاع تاریخی و هویتی (مطابق با کوتیشن ۷):

تولید محتوای دیجیتال جذاب درباره تاریخ انقلاب و هویت اسلامی-ایرانی.

۴. مقابله با تهاجم رسانه‌ای و محاصره تبلیغاتی (مطابق با کوتیشن‌های ۲۱ و ۲۳):

ایجاد واحدهای ویژه برای مقابله با جنگ روانی در صداوسیما و خبرگزاری‌ها.

۵. ایجاد اقتصاد داده‌ای مقاومتی (مطابق با کوتیشن ۲۴ و مباحث زوبوف):

توسعه پلتفرم‌های داخلی ذخیره‌سازی و پردازش ابری

تصویب قوانین سخت‌گیرانه برای ممنوعیت خروج داده‌های حساس از کشور.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.

- Arun, C. (2025, March 7). 'Data colonialism' and the political economy of Big Tech. Lawfare. Review of Data Grab: The New Colonialism of Big Tech and How to Fight Back, by U. Mejías & N. Couldry. Retrieved from Lawfare website.
- Bradshaw, S, & Howard, P. N. (2019). The global disinformation order: 2019 global inventory of organised social media manipulation. Oxford Internet Institute.
- Bratton, B. H. (2015). The stack: On software and sovereignty. MIT Press.
- Brevini, B, Fubara-Manuel, I, Le Ludec, C, Jensen, J. L, Jimenez, A, & Bates, J. (2024). Critiques of data colonialism. In J. Jarke & J. Bates (Eds.), Dialogues in data power: Shifting response-abilities in a datafied world. Bristol University Press.
- Couldry, N, & Mejias, U. A. (2019). The costs of connection: How data is colonizing human life and appropriating it for capitalism. Stanford University Press.
- Couldry, N, & Mejias, U. A. (2021). Data colonialism: Rethinking big data's relation to the contemporary subject. *Television & New Media*, 22(1), 1-14. <https://doi.org/10.1177/1527476420985231>
- DiResta, R. (2020). The supply of disinformation will soon be infinite. The Atlantic. <https://www.theatlantic.com/technology/archive/2020/09/disinformation-supply-will-soon-be-infinite/616786/>
- Gray, K. (2021). The Violence of Algorithms: Epistemic Coloniality and Racialized Exclusion in the Data Economy. In M. Reisch (Ed.), *Social Policy and Social Justice* (pp. 145-164). Cognella Academic Publishing.
- Hansen, A. (2024, March 5). Platform empires: Navigating the terrain of data colonialism and the movement towards digital decolonization. *Global Digital Cultures*. <https://globaldigitalcultures.org/2024/03/05/platform-empires-navigating-the-terrain-of-data-colonialism-and-the-movement-towards-digital-decolonization/>
- Harvey, D. (2003). *The New Imperialism*. Oxford University Press.
- Krippendorff, K. (2018). *Content analysis: An introduction to its methodology* (4th ed.). Sage Publications.
- Mbembe, A. (2003). Necropolitics. *Public Culture*, 15(1), 11-40.
- Mbembe, A. (2019). *Necropolitics*. Duke University Press.
- Mejias, U. A, & Couldry, N. (2021). Data colonialism: Rethinking big data's relation to the contemporary subject. *Television & New Media*, 22(1), 1-14.
- Milan, S, & Trere, E. (2020). Latin American visions for a digital decolonial turn: Towards a critical decolonial studies of data. *Television & New Media*, 21(4), 379-387.
- Mumford, D. (2022). Data colonialism: compelling and useful, but whither epistemes? *Information, Communication & Society*, 25(10), 1511-1516. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2021.1986103>

- Mumford, L. (2022). Coloniality and the Digital: Rethinking Data Power through Postcolonial Critique. In T. Amore & L. Piotukh (Eds.), *Algorithmic Life: Calculative Devices in the Age of Big Data* (pp. 102–121). Routledge.
- Olasya, D. P., & Kiamba, A. (2025). Weaponization of data: The role of data in modern warfare. *Bulletin of "Carol I" National Defence University*, 14(1), 90–107. <https://doi.org/10.53477/2284-9378-25-06>
- Plantin, J-C, & Punathambekar, A. (2019). Digital media infrastructures: Pipes, platforms, and politics. *Media, Culture & Society*, 41(2), 163–174. <https://doi.org/10.1177/0163443718818376>
- Puyvelde, D. V. (2021). Cognitive warfare: Threats and opportunities. *NATO Review Magazine*. <https://www.nato.int/docu/review/articles/2021/07/15/cognitive-warfare/index.html>
- Ricaurte, P. (2019). Data epistemologies, the coloniality of power, and resistance. *Television & New Media*, 20(4), 350–365. <https://doi.org/10.1177/1527476419831640>
- sahbaz, U. (2019). Artificial intelligence and the risk of new colonialism. *Horizons, Summer* (Issue No. 14), 58–70.
- Scott, J. C. (1998). *Seeing like a state: How certain schemes to improve the human condition have failed*. Yale University Press.
- Silver, C., & Lewins, A. (2014). *Using software in qualitative research: A step-by-step guide* (2nd ed.). Sage Publications.
- Taylor, L., & Broeders, D. (2015). In the name of development: Power, profit and the datafication of the global South. *Geoforum*, 64, 229–237.
- Thatcher, J., O'Sullivan, D., & Mahmoudi, D. (2016). Data colonialism through accumulation by dispossession: New metaphors for daily data. *Environment and Planning D: Society and Space*, 34(6), 990–1006.
- Van Dijck, J., Poell, T., & de Waal, M. (2018). *The platform society: Public values in a connective world*. Oxford University Press.
- Zuboff, S. (2019). *The age of surveillance capitalism: The fight for a human future at the new frontier of power*. PublicAffairs.